

اخبار و گزارش های کارگری 25 شهریورماه 1402 (ویژه اعتراضات در سالگرد قتل حکومتی زنده

یاد مهسا(ژینا امینی) و شروع اعتراضات سراسری

- اعتراضات در سالگرد قتل حکومتی زنده یاد مهسا(ژینا امینی) و شروع اعتراضات سراسری

1- اعتصاب عمومی جمعی از کسبه بازار در شهرهای:

2- تجمع، جنگ و گریز خیابانی، سردادن شعارهای اعتراضی و آتش زدن لاستیک :

3- راهبندان و بوق زدن های ممتد در شهرهای:

4- شعارهای اعتراضی شبانه در شهرهای :

5- اعتصاب غذا و تحصن زندانیان دربند:

- نامه مژگان افتخاری، مادر مهسا(ژینا امینی)

بیانیه های دانشجویان:

1- بیانیه ی فعالین دانشگاه تهران به مناسبت سالگرد خیزش زن، زندگی آزادی

2- بیانیه ی جمعی از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر

3- بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی در سالگرد قتل حکومتی ژینا امینی

4- بیانیه فعالان دانشجویی دانشگاه تربیت مدرس در سالگرد قتل حکومتی ژینا امینی

- تونیت کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آلمان (DGB) در حمایت از مبارزات مردم ایران در

سالگرد قتل مهسا امینی

- اخبار بگیر و ببندها:

1- نیروهای امنیتی اعضای خانواده حدیث نجفی از جانباختگان خیزش زن، زندگی، آزادی را

بازداشت کردند

2- در پی یورش نیروهای اطلاعات سپاه به منزل محمود صفدری، از فعالین صنفی معلمان خراسان

شمالی، ایشان را بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال داده اند

*اعتراضات در سالگرد قتل حکومتی زنده یاد مهسا(ژینا امینی) و شروع اعتراضات سراسری

1- اعتصاب عمومی جمعی از کسبه بازار در شهرهای:

- ارومیه

- اشنویه

- ایلام

- بانه

- بوکان

- بیجار

- پاوه

- دهگلان

- دیواندره

- سقز

- سنندج

- کامیاران

- کرمانشاه

- ماکو

- مریوان

- مهاباد

2- تجمع، جنگ و گریز خیابانی، سردادن شعارهای اعتراضی و آتش زدن لاستیک :

- جمعه شب (24 شهریور):

مریوان

شنبه 25 شهریور:

- اراک

-تهران در حوالی دانشگاه تهران، خیابان انقلاب و میدان فردوسی

- دهدشت

- رشت

- زاهدان

- کرج

- سنندج

مشهد

3- راهبندان و بوق زدن های ممتد در شهرهای:

- جمعه شب (24 شهریور):

بانه

- مشهد

4- شعارهای اعتراضی شبانه در شهرهای :

جمعه شب (24 شهریور):

تهران

مشهد

5- اعتصاب غذا و تحصن زندانیان دربند:

اعتصاب غذا در حمایت از جنبش ژینا/مهسا

سیزده زندانی تبعید شده به زندان قزلحصار در همراهی جنبش ژینا/مهسا و حمایت از اعتراضات مردمی در ایران از امروز صبح (شنبه 25 شهریور) به مدت سه روز دست به اعتصاب غذا زدند.

این سیزده زندانی که از دوازدهم شهریور ماه از زندان اوین به قزلحصار تبعید شده اند در بند امن این زندان و در شرایط اسفناکی نگهداری می شوند، بطوریکه از امکانات اولیه زندان هم محروم هستند.

اسامی سیزده نفری که از امروز دست به اعتصاب زده اند به شرح زیر می باشد:

سعید ماسوری، جعفر ابراهیمی، کامیار فکور، لقمان امین پور، افشین بایمانی، سپهر امام جمعه، زرتشت احمدی راغب، محمد شافعی، سامان صیدی (یاسین)، حمزه سواری، احمد رضا حائری، رضا سلمان زاده و مسعود رضا ابراهیمی نژاد

برگرفته از کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

جمعی از زنان زندانی سیاسی در حیاط زندان اوین دست به تحصن زدند

جمعی از زنان زندانی سیاسی بند زنان زندان اوین اعلام کرده بودند که در «حمایت از مردم علیه حکومت و همصدا با مردم ایران» از ۲۴ شهریور در حیاط زندان دست به تحصن خواهند زد. نرگس محمدی، سپیده قلیان، آزاده عابدینی، شکیلا منفرد، گلرخ ایرایی، محبوبه رضایی و ویدا ربانی از جمله زنان زندانی معترض هستند که پیشتر در بیانیه‌ای مشترک اعلام کرده بودند: «یک سال از کشته شدن دختر ایران زمین، ژینا (مهسا) امینی به دست مأموران حکومت جمهوری اسلامی گذشت. بغض کشته شدن و اعدام مظلومانه دختران و پسران سرزمینمان در خیابانها و زندانها، کور کردن معترضان، بازداشت، شکنجه و زندان به پاخاستگان، زخمی است بر جان و روانمان، اما شعله امید و انگیزه‌ای است برای تداوم مبارزه تا لحظه پیروزیمان». خبرهای منتشر شده حاکی از آن‌اند که تحصن اعتراضی زنان زندانی در زندان اوین برگزار شده و آن‌ها در روز شنبه ۲۵ شهریور همزمان با اولین سالگرد قتل حکومتی ژینا، شال‌ها را آتش زدند. این هفت زندانی سیاسی از مردم ایران و جهان خواسته بوند که «صدای معترضان و مخالفان و مردم باشند و ما را یاری کنند».

برگرفته از کانال اتحادیه آزاد کارگران

*نامه مژگان افتخاری، مادر مهسا(ژینا امینی)

مژگان افتخاری، مادر مهساژینا امینی با اشاره به سالگرد قتل حکومتی دخترش در اینستاگرام نوشت: «یک سال از آسمانی شدن ژینای کردستان و فرشته ایران گذشت، سالی که هر لحظه‌اش سرشار از حزن و اندوه بود.»

او از همه کسانی که در این یک سال به هر شکلی با آنان همدردی کرده‌اند، تشکر کرده است.



یکسال از آسمانی شدن فرزند دلبندهمان مهسا، زینای کردستان و فرشته‌ی ایران گذشت، سالی که هر لحظه‌اش سرشار از حزن و اندوه بود. در طول یکسال گذشته و از نخستین روزهای جاودانه شدن زینای عزیزمان تا به امروز، هموطنان پاک‌نهاد و مهربان از جای جای این سرزمین، با حضور بر مزار زینا، تماس تلفنی، و ارسال پیام‌های سرشار از محبتشان، تسلی بخش قلب داغدار ما بودند. خانواده‌های سوگواری که با وجود غم فراق عزیزانشان، با ما ابراز همدردی نمودند. فعالان عرصه فرهنگ، هنر و سینما در داخل و خارج کشور که با قلم توانا و اندیشه پویایشان آثاری ارزشمند و ماندگار خلق نمودند و نام و یاد زینای عزیز را گرامی داشتند. بازاریان، اصناف، ورزشکاران، دانشگاهیان، فرهنگیان، فعالان مدنی و خبرنگاران شرافتمندی که در شرایط و عرصه‌های مختلف، همواره حامی و پشتیبان ما بودند. به حقیقت کلام و واژگان در بیان ارادت ما به این مردم شریف عاجز و ناتوان است. در برابر حس والای انسانی و بزرگواری همه این عزیزان سر تعظیم فرود می‌آوریم، از صمیم قلب تشکر و قدردانی می‌نماییم و از درگاه پروردگار بزرگترین موهبت را که همانا عزت و سربلندی نزد خدا و بندگان خداست، برایشان مسئلت می‌نماییم.

*بیانیه های دانشجویان:

1- بیانیه ی فعالین دانشگاه تهران به مناسبت سالگرد خیزش زن، زندگی آزادی

به نام زنان شجاع مصلوب بر تیرک‌های سنت و پدرسالاری که همگام با اقتدار محروم از زندگی فریاد آزادی را در آسمان این سرزمین طنین انداختند.

اکنون در آستانه‌ی سالگرد قیام زن زندگی آزادی هستیم، در یک سال گذشته شاهد ددمنشی نظام جمهوری اسلامی در جای جای کشور و سرکوب حداکثری تمامی صداها، مخالف و مشت‌های گره شده بودیم. قیام ژینا تصویری شفاف از وضعیت جامعه کنونی ایران به ما ارائه داد. فهمیدیم که ترس حصار بی‌پیش نبوده و دورنمای ایران با گذار از حکومت کنونی قابل ترسیم است.

انگشت‌هایی که قومیت‌ها را خطاب قرار داده و به تجزیه طلبی متهم می‌کردند شکسته شده‌اند و فهمیده‌ایم که تجزیه طلبی نیز توطئه‌ای بیش نبود. مسئله دیگر که در طول قیام زن زندگی آزادی بسیار حائز اهمیت است اعتصابات کارگری گسترده و پیوند میان مرکز به مثابه پایتخت و پیرامون کشور بود، این مسئله گویای این است که ساختار مرکز پیرامونی کشور و همچنین شکاف طبقاتی عمیق، مانعی بر اتحاد مردم در سطح ملی نبود.

ما جمعی از فعالین دانشجویی دانشگاه تهران به عنوان بخشی از جریان جنبش دانشجویی پس از یک سال مبارزه و ایستادگی لازم دانستیم مواضع خود را نسبت به برخی جریان‌های سیاسی اعلام بداریم. جریان سلطنت‌طلبی پهلوی و جریان مرتجع‌التقاضی رجوی هر دو سعی دارند به انحای مختلف جنبش اصیل و درون‌زای مردم ایران را به نفع خود مصادره کنند.

جریان سلطنت‌طلب در زمان نگارش این بیانیه مشغول ترتیب دادن میهمانی‌های اشرافی در لوس‌آنجلس است، و جریان التقاطی رجوی نیز هنوز خط سیری را دنبال می‌کند که در دهه ۶۰ به ترور کور شهروندان ایرانی منجر شد. هیچ‌کدام از این جریان‌ها هیچ‌گاه اندکی نیز به فکر بازبینی تاریخچه و تغییر روش‌های خود نیستند. فراتر از آن، هیچ‌کدام از این جریان‌ها که مقرر اصلی آن‌ها خارج از ایران است درک درستی از وضعیت کنونی مردم ایران ندارند و تصمیمات خود را نه بر مبنای واقعیات جامعه بلکه بر مبنای پیش‌فرض‌های پندجاه و هفتی اتخاذ می‌کنند.

ما هیچ‌سختی با جریان‌های مذکور نداریم، با این حال معتقدیم حقوق بنیادین بشر به کسانی که پیرو این جریان‌ها هستند نیز تسری می‌یابد. شرط اصلی ما دادخواهی اصولی و کامل نسبت به اقدامات

پیشین این جریان‌ها و پاسخ‌دهی و قبول مسئولیت صادقانه آن‌ها نسبت به نقاط مبهم (و نه‌چندان مبهم) تاریخ ایران است.

پیوند اجزای عمومی‌تر جنبش زن زندگی آزادی با جنبش کارگری و معلمی نیز نیاز به بازنگری دارد. با اینکه کارگران و معلمان نقش قابل‌توجهی در اعتصابات و اعتراضات جنبش داشتند، اما رسانه‌ها نتوانستند به درستی آنان را بازنمایی کنند. بازنمایی نادقیق و گاه مغرضانه رسانه‌های داخل و خارج از کشور از جنبش زن زندگی آزادی سبب شده است. اقشاری از جامعه ایران - از جمله کارگران و معلمان - عملاً از جنبش طرد شوند و کنش‌های آنان و نیازها و خواسته‌هایشان آن‌طور که باید و شاید شنیده نشود. ما معتقدیم "زن زندگی آزادی" یک شعار همه‌شمول و نه طردکننده است، و بنا بر عنصر "زندگی" جنبش‌های کارگری و معلمی که در جهت دستیابی به سطحی انسانی‌تر از زندگی تلاش می‌کنند نیز در کالبد این جنبش رهایی‌بخش قرار می‌گیرند.

دورنمایی که ما برای آینده‌ی ایران ترسیم می‌کنیم و تا رسیدن به آن از مقاومت و ایستادگی دست نخواهیم کشید به شرح زیر است:

▲ جمهوری سکولار

▲ به رسمیت شناختن حقوق تمامی اقشار جامعه

▲ آزادی فعالیت احزاب سیاسی- به رسمیت شناختن اتحادیه‌ها

▲ قوه قضائیه مستقل

▲ آزادی بیان

▲ به رسمیت شناختن زبان مادری: زبان‌های مادری اقوام ایران باید در کنار زبان فارسی آموزش داده شود و رسانه‌های جمعی به زبان مادری فرصت بروز و ظهور یابند تا تنوع فرهنگی و قومیتی ایران مورد احترام قرار گیرد.

▲ استقلال دانشگاه: دانشگاه باید به عنوان یک نهاد مستقل در کشور شناخته شود و به طور مستقل فارغ از ایدئولوژی حاکم به فعالیت‌های خود سامان دهد.

به عنوان بخشی از جنبش دانشجویی تلاش کرده‌ایم خود را از جریان‌های سیاسی موجود که تلاش در مصادره‌ی فریاد آزادی‌خواهی‌مان دارند جدا کرده و چشم‌انداز مبارزاتی خود را ارائه دهیم. نوید می‌دهیم که جنبش دانشجویی هیچ‌گاه آرام و قرار نخواهد گرفت، ما همان نوشته‌های ستاریم؛ ما صدای رسای نوید افکاری، مشت گره‌شده‌ی حدیث و آواز نیکاییم؛ ما انقلابیم.

2- بیانیه‌ی جمعی از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر

جامعه‌ای به ستوه آمده از ظلم، تحقیر شده در تک‌تک ابعاد زندگانی، تحدید شده در ساده‌ترین حقوق انسانی خویش، گیر افتاده در حصار تمامیت‌خواهی با تار و پود مذهب، در تکاپوی مبارزه هر روزه برای شکستن حصار، قتل مهسا را نقطه‌ای دید که خشم انباشته شده این ۴۴ سال را از مجرای حق طلبی فریاد زند و اعتراض خود به تمامیت سیستم را به منصف ظهور برساند.

قتل مهسا توسط حاکمیت سرکوب اتفاقی دور از انتظار نبود؛ کوبه‌ای بود بر طبل جنایت جمهوری اسلامی که سالیان سال است آزادی فردی را از ملت ایران سلب کرده است. "همه هستیم!" جنبش زن زندگی آزادی به این جمله معنای تازه‌ای بخشید و به روشنی تبیین کرد که "ما همه با هم هستیم!"

در وضعیتی به سر می‌بریم که نه آمار مشخصی از معترضین وجود دارد و نه بستری برای گرد هم آمدن و این‌ها عوامل اصلی رخنه کردن یأس و نومیدی در بطن جامعه می‌باشند؛ تمامیت‌خواهی همه زنجیرهای جامعه را گسسته، افراد را در فردیت خویش منزوی کرده و احساس تنهایی، فشار مضاعفی در این مسیر دشوار بر ما معترضین وارد می‌کند. خیابان جایی بود که انزوای ما شکست. هزاران نفر در گوشه گوشه ایران فریاد اعتراض سر دادند. آن روزها را به خاطر بیاورید! پاهایمان می‌لرزید تا به جمعیت برسیم ولی از آن نقطه به بعد، فقط و فقط شجاعت بود و بس. حال که یک سال از آن زمان گذشته، یقین داریم که تنها نیستیم؛ شاید همراهانمان را شناسیم ولی در بودنشان شکی نداریم. با گذشت یک سال، راه برایمان روشن شد. فهمیدیم انقلاب نیاز به اپوزیسیونی کارآمد هم دارد که در شعار خلاصه نشود. حال می‌دانیم چه می‌خواهیم و چه نمی‌خواهیم. حکومت و طرفدارانش هم کاملاً متوجه شدند که راهی برای ماندن ندارند؛ چرا که حاکمیت با وجود مردم خشمگین، بر قدرت نمی‌ماند. نمود این مسئله را می‌توان در رفتار نهادهای امنیتی دید که تنها سلاحشان سرکوب است؛ دیگر نه تبلیغ ایدئولوژیک می‌کنند و نه کاری در راستای فروکش کردن خشم جامعه انجام می‌دهند، زیرا که این خشم در کنه ما ریشه دوانده و آنان این را می‌دانند.

دانشگاه در این جنبش نقش عاملیت خود را نشان داد. ما دانشجویان در اواخر شهریورماه سال ۱۴۰۱ که روزهای آغازین ترم بود، می‌دانستیم که باید اعتراض کنیم. در آن زمان هنوز اعتراضات شهر

تهران به جز تجمع جلوی بیمارستان کسری آغاز نشده بود و کسی نمی‌دانست که این جنبش، یک جنبش فراگیر است. آن زمان بود که ما آمدیم. ما این را وظیفه خود می‌دانستیم که به ظلم اعتراض کنیم؛ همانطور که ادوار ما نیز ظلم را بر نمی‌تابیدند. ما این رسالت حق طلبی و آزادی‌خواهی که بر دشمنان نهاده شده بود را ادامه دادیم و ادامه خواهیم داد. تعلیق می‌کنید، بازداشت می‌کنید ولی نتیجه چه می‌شود؟ عده ای بیشتر و با عزم راسختر در مقابل شما ایستادگی می‌کنند.

یکی از ویژگی‌های اصلی جنبش دانشجویی، معطوف به زمان نبودن آن است. جنبش دانشجویی برای چند سال گذشته یا دهه ۷۰ و ۸۰ نیست؛ مدت هاست دانشجویان هویت آزادی‌خواهی را برای خود تعریف کرده‌اند و ما وظیفه داریم از این هویت پاسداری کرده و آن را به نسل‌های آینده منتقل کنیم. آن‌ها که از حذف افراد "نامطمئن" در دانشگاه‌ها سخن می‌گویند، بدانند که هویت مستقل و آزادی‌طلب دانشگاه و دانشجویان، چنین اجازه‌ای را به آنان نخواهد داد. شاید همگی به درستی معتقد باشیم تغییر از دانشگاه شکل نمی‌گیرد، ولی می‌توانیم مطمئن باشیم که دانشگاه بخش مهمی از جریان تغییر است.

تمام صحبت ما، "نه" به جمهوری اسلامی و همه نهادهای وابسته به آن است. تجلی این سخن، شعار زن، زندگی، آزادی می‌باشد. "نه" به جمهوری اسلامی از موازین مشخص سیاسی و اخلاقی می‌آید. چارچوب‌هایی که تلاش برای گفتمان سازی علیه جمهوری اسلامی را می‌نمایانند شامل حق حیات و آزاد زیستن، برابری جنسیتی و به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌های جنسی، قوه قضاییه مستقل و نه به بیدادگاه‌ها، مخالفت با تفتیش عقاید و التزام به سکولاریسم و دموکراسی، حاکمیت قانون و تضمین حقوق شهروندی تمامی افراد جامعه، حفظ تمامیت ارضی و نیز مخالفت با اقتصاد دستوری که خواه ناخواه موجب ناکارآمدی اقتصادی و صدمه دیدن آزادی‌های فردی می‌شود، می‌باشند.

ما به عنوان جمعی از دانشجویان پلی تکنیک، این دانشگاه ریشه‌دار و همواره مبارز با ستم‌خویی، اعلام می‌داریم به هیچ عنوان از هدف غایی خود که رسیدن به آزادی و دموکراسی از مسیر نابودی این سیستم خون‌خوار است، باز نخواهیم گشت. قطع به یقین می‌توان گفت که دانشجویان کشور در این برهه حساس، به هیچ عنوان عقب نشینی نخواهند کرد و در ترم آتی نیز همچون ترم‌های گذشته به هر طریقی فریاد بلند آزادی‌خواهی سر خواهند داد. چرا که جنایت‌های حاکمیت، همه روزه اتفاق افتاده و کوچکترین تغییر مثبتی در رویکرد سیستم مشاهده نشده است.

قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان

به امید ساختن ایرانی آزاد.

3- بیانیه جمعی از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی در سالگرد قتل حکومتی ژینا امینی

یک سال از قتل دختر ایران گذشت؛ به یاد آریم آن هنگامی را که ظالمان می تاختند و خوش خیالان سال ها در خیال خام اصلاح فساد حاکم بودند و تنها این مظلومیت غریب ژینا بود که وجدان خفته‌ی ایرانی را بیدار و ما را بر آن داشت که دیگر با این حکومت انسان کش، هر سازش و مماشات و توقع اصلاحی غیرممکن است.

وجدان انسانی زندگی خواهان اکنون به این واقف است که پس از مرگ، مزار هم در امان نبوده و در نتیجه این وجدان بیدار بر ما حکم می‌کند مادامی که اینان باشند جان انسان در خطر و زندگی به یغما برده خواهد شد.

اینک که غم از دست دادن ژینا و شهادت دیگر جوانانمان، دل هایمان را پر خون کرده و داغشان بر قلبمان سنگینی می کند، اینک که دیگر جمهوری اسلامی هرگونه ظلمی را با وقاحت تا به انتها رسانده و به وضوح دشمن جانمان شده، اینک که حجت بر هر جان شریفی تمام گشته و جای هیچ بهانه نیست، برای نجات انسان و ایران به پیش می‌رویم. به پیش می‌رویم، همانگونه که در اذهانمان از جمهوری کشتار اسلامی عبور کردیم و به واقع هیچ چیز دشوارتر و هراسناکتر از این لحظه برای قدرت نیست که انسان‌ها بدانند با همین بدن که چیزی جز گوشت و پوست نیست و آن ذهنیت پساخیزشی چه امکان‌هایی می‌توانند بیافرینند.

زن زندگی آزادی انقلابی برای آینده است و تا زمانی که زندگی به آخرت حواله شده را بازنستاند از حرکت نمی‌ایستد. زندگی از موانعی که در مقابل ارزش‌های بدیهی یک حیات انسانی صف کشیده‌اند، عبور می‌کند و آن چه شادمانی این زندگی را به کثیری از "برای" بدل کرده است فرو می‌ریزند.

ما، «جمعی از دانشجویان دانشگاه علامه»، دوشادوش مردم بیدارمان، ایستاده ایم و به امید روز آزادی، روزی بهتر از امروز، با تداوم در مبارزات خود تا سرنگونی تمامیت این نظام دیگر لحظه ای غافل نخواهیم نشست.

4- بیانیه فعالان دانشجویی دانشگاه تربیت‌مدرس در سالگرد قتل حکومتی ژینا امینی

یک سال از قتل حکومتی مهسا ژینا امینی و طلوع جنبش «زن، زندگی، آزادی» می‌گذرد. دختر کرد زمانی که از شهرستانی حاشیه‌ای عازم پایتخت ام‌القرای جهان اسلام می‌شد، گمان نمی‌برد که نامش

رمز یکی از شکوهمندانه‌ترین رخدادهای سیاسی - اجتماعی تاریخ معاصر ایران شود؛ رخدادی که روح زخمی مردم را احضار کرد، از یادرفته‌گان را از گور تاریخ بیرون کشید و زنده‌گان را به «زنده‌گی» و مطرودان را به قیام فراخواند. قتل مهسا نقطه گسستی شد از جریان‌های عقیم درون-حکومتی و آغازی برای همه ایرانیان در تلاشی نفس‌گیر به‌سوی نظم اجتماعی و سیاسی جدید؛ نظمی که امروز همه به آن امید بسته‌ایم که هرچه بیش‌تر آزاد، عادلانه و انسانی باشد. جنبش ژینا یک «نه» بزرگ به حکومت و ایدئولوژی فرتوت و نازایش بوده که چهار دهه به زور پلیس و رسانه و پول سرپا نگه‌داشته شده بود. این شاید درست‌ترین و دقیق‌ترین تعبیری باشد که در این یک سال تکرار شده است: «بعد از قتل مهسا و جنبش ژینا دیگر هیچ چیز مانند گذشته نیست».

در روزها و ماه‌هایی که سپری کردیم شجاعت باشکوه زنان و مردان همراه بود با چیزی که شاید بتوان آن را «تکثیر انقلابی فضا و کنش‌های خلاقانه» تعبیر کرد؛ به نحوی که دانشگاه، خیابان، میادین، محلات، زندان‌ها، مدرسه، کارخانه، بازار و حتی بیلبوردهای تبلیغاتی، که تا به حال فضاهایی فروبسته و انحصاری محسوب می‌شدند، به فضاهایی انقلابی و گشوده تبدیل شدند و فرم‌های خلاقانه‌ای از کنش‌گری سلبی و ایجابی را ممکن کردند. جنبش ژینا به این معنا، نقطه‌ی گسستی از نظم امور پیشین و انفجاری در الگوها و شیوه‌های جاری و گشودن امکان‌ها و افق‌هایی جدید را به ما امید داده است. دانشگاه نیز که همواره سرشار بوده از نیرو و میل جوانی ضد سلطه، روزهای درخشانی را از سر گذراند. دانشگاه، که شدیدترین تازیانه‌ها را بر تن و روحش وارد کردند، تا جایی که جان داشت مقاومت کرد و هم‌نفس با خیابان‌های شهر «زن زندگی آزادی» و رنج‌های محرومان و مطرودان را فریاد زد .

اکنون اما جنبش ژینا نه در لحظه نهایی‌اش بلکه در فرایند کامل‌شدن و تحقق‌یافتن ظرفیت‌ها، بالقوه‌گی‌ها و امکان‌هایش قرار دارد. هر انقلاب سیاسی به انقلاب‌هایی اجتماعی و دگرگونی عمیق در شیوه‌های فهم، الگوهای معرفتی، فرم‌های باهم‌بودن و آرایش‌های اجتماعی و مدنی نیازمند است. بدون این دگرگونی‌ها بی‌تردید سلطه در لباسی دیگر ظاهر شده و تاریخ را تراژیک و کمیک تکرار می‌کند و به ریش‌مان می‌خندد .

می‌گویند که ایام انقلاب به کلاس درسی فشرده و نفس‌گیر شبیه است؛ یک آموزش عمومی رایگان علیه آموزه‌های باطل حاکمان و سلطه‌گرانِ زمانه. انقلاب ژینا به ما آموخت که: زن می‌تواند قهرمان اول خیابان‌های شهر باشد، مردان می‌توانند با افتخار حقوق پایمال شده زنان را فریاد بزنند، اقوام

مختلف، بی‌آن که برچسب کاذب و فریبنده‌ی «تجزیه‌طلب» به آن‌ها زده شود، می‌توانند ذیل حقوقی همگانی متحد شوند و کارگر و معلم و دانشجو برای حقوق پایمال‌شده‌شان کنار هم بایستند .

ما اکنون در یک سالگی جنبش، یک پیش‌انقلاب را تجربه می‌کنیم. بنابراین چیزهایی که در برهه کنونی به آن محتاج هستیم کمتر یا بیشتر، شبیه به این‌ها هستند: خلق شیوه‌ها، فرم‌ها و فضاها‌ی جدیدی از زندگی جمعی در خانه، مدرسه، دانشگاه، محل کار و فراغت؛ تشکل‌سازی‌های خرد و ایجاد شبکه‌های نامحسوس از گروه‌های مختلف اجتماعی؛ و نقد بنیانی الگوهای ذهنی و معرفتی‌مان که تاریخ ستم، طرد و سلطه در آن خانه کرده است. همچنین ما به عنوان دانشجویان، دانشگاه را به عنوان یک فضای ماهیتاً سیاسی همچون سنگری علیه "دیکتاتور" دانسته و از آن محافظت خواهیم کرد. برخلاف خیال باطل دیکتاتور و یارانش، در دانشگاه می‌مانیم و آن را به فضایی زنده برای مقاومت، سرپیچی و نافرمانی تبدیل می‌کنیم. اکنون سرمشق ما در پیش‌انقلاب دانشگاه این چنین است :

-ایستادگی در برابر حذف دانشجویان و اساتید همراه با انقلاب؛

-زنده نگه‌داشتن انقلاب در دانشگاه به واسطه فرم‌های خلاقانه و بدیع؛

-اندیشیدن به دانشگاه فردای انقلاب و فرم‌ها و شیوه‌های دموکراتیک‌تر و عادلانه‌تر آموزش عالی؛

-ارتباطگیری و شبکه‌سازی‌های خرد دانشگاهی و غیردانشگاهی؛

-محافظت از زیست دانشگاهی و دستاوردهای صنفی موجود که به واسطه خصوصی‌سازی و

پولی‌سازی آموزش روزبه‌روز بیشتر در معرض خطر قرار گرفته است؛

-ایستادگی در برابر فرایندهای فرودست‌سازی و تحقیر دانشجویان از سوی اساتید و مدیران (این

واقعیت به‌ویژه در دانشگاه تربیت‌مدرس، به عنوان دانشگاه خودخوانده تراز نظام و استادسالار، به وضوح مشاهده می‌شود).

ما تردیدی نداریم که رخداد بزرگ، دیر یا زود، فرا می‌رسد پس با امیدی شادان خود را مهیای آن می‌کنیم؛ رخدادی که مردگان را از گور تاریخ بیرون خواهد کشید و زنده‌گان را به جهانی آزادتر و انسانی‌تر وعده خواهد داد. ما تا لحظه نهایی قلب‌هایمان را گرم و مغزهایمان را سرد نگه خواهیم داشت .

زن، زندگی، آزادی

*توئیت کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری آلمان (DGB) در حمایت از مبارزات مردم ایران در سالگرد قتل مهسا امینی

" ۱ سال پیش، #ژینامهسامینی به قتل رسید. از آن زمان تاکنون اعتراضات در ایران متوقف نشده است. با این حال، رژیم همچنان به سرکوب #زنان، #اتحادیه‌ها و همه کسانی که برای #آزادی و #دموکراسی مبارزه می‌کنند، ادامه می‌دهد. ما در همبستگی با معترضان می‌ایستیم و خواهان آزادی زندانیان هستیم."



DGB - Deutscher Gewerkschaftsbu...
@dgb_news

Vor 1 Jahr

wurde [#JinaMahsaAmini](#) ermordet.

Seitdem reißen die Proteste

im [#Iran](#) nicht ab. Doch

das Regime unterdrückt

weiterhin [#Frauen](#), [#Gewerkschaften](#) &

alle, die

für [#Freiheit](#) & [#Demokratie](#) kämpfen.

Wir sind solidarisch mit d

Protestierenden & fordern Freiheit d

Inhaftierten.

*اخبار بگیر و ببندها:

1- نیروهای امنیتی اعضای خانواده حدیث نجفی از جانباختگان خیزش زن، زندگی، آزادی را بازداشت کردند

در ادامه فشارها، سرکوب و بازداشت اعضای خانواده‌های کشته‌شدگان خیزش (ژن، ژیان، نازادی)، افسون نجفی، خواهر حدیث نجفی، از کشته‌شدگان خیزش سراسری ۱۴۰۱، با انتشار استوری در صفحه اینستاگرام خود از بازداشت اعضای خانواده‌اش خبر داده است. افسون نجفی نوشته است که از دیروز (جمعه ۲۴ شهریور) ساعت پنج عصر خانواده نجفی «به طور غیرقانونی و بدون ابلاغیه یا احضاریه» در بازداشت به‌سر می‌برند. او در ادامه نیز با اشاره به این‌که نیروهای امنیتی، «ریختن خونه و کل خونه رو گشتن و گوشی‌ها رو گرفتن و با خود بردن»، درخواست کرده این خبر رسانه‌ای شود. حدیث نجفی، جوان ۲۲ ساله اهل مهرشهر کرج یکی از کشته‌شدگان اعتراض‌ها به قتل حکومتی مهسا (ژینا) امنیتی بود. حدیث نجفی چهارشنبه‌شب ۳۰ شهریور ۱۴۰۱، حوالی ساعت ۲۰ در بلوار ارم مهرشهر کرج، از جانب نیروهای امنیتی مورد اصابت گلوله ساچمه‌ای قرار گرفت و جان باخت.

منبع: کانال اتحادیه آزاد کارگران ایران

2- در پی یورش نیروهای اطلاعات سپاه به منزل محمود صفدری، از فعالین صنفی معلمان خراسان شمالی، ایشان را بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال داده‌اند

محمود صفدری، از معلمان دلسوز و خوشنام خراسان شمالی بازداشت شد این فعال صنفی که مسئول تشکل سازمان معلمان ایران در خراسان شمالی و عضو انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی است شامگاه ۲۵ شهریور توسط اطلاعات سپاه در منزل خودش بازداشت شده و به مکان نامعلومی منتقل کرده‌اند

محمود صفدری پیش‌تر بارها در دادگاه‌های انقلاب حاضر شده و هر بار در اتهامات واهی نهادهای امنیتی از خود دفاع کرده است

محمود صفدری پیش‌تر اعلام کرده بود که طی تماس تلفنی نهادهای امنیتی بصورت ناشناس ایشان را تهدید به بازداشت کرده بودند

این خبر تکمیل می‌شود

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

akhbarkargari2468@gmail.com

